

کتاب یوئیل و کلیسای ادونتیست روز هفتم لائودکیه‌ای — شماره سی و چهار

Jeff Pippenger

2026-01-27

نمبر چونتیس

برای آنکه در بیابان صدایی باشد، باید بیابانی وجود داشته باشد. در ژوئیه ۲۰۲۳، ندایی آغاز به طنین‌افکندن کرد که اعلام می‌داشت شیر سبط یهودا در آن زمان مکاشفه خویش را، آن‌گونه که در فصل اول کتاب مکاشفه بیان شده است، می‌گشاید. نومیدی سبت، ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰، سه روز و نیم مکاشفه یازدهم را آغاز کرد که در سبت، ۳۰ دسامبر ۲۰۲۳، به پایان رسید. در آن سبت، برای نخستین بار از ژوئیه ۲۰۲۰، Future for America در یک نشست زوم به‌طور علنی سخن گفت.

از آن نقطه به بعد، مکاشفه عیسی مسیح به‌صورت تدریجی گشوده شده است. این امر با مکاشفه‌ای از واژه «حق» آغاز شد، که سپس آشکار گردید نمایانگر چارچوبی از سه گام است که به‌وسیله حروف اول، سیزدهم و بیست‌ودوم الفبای عبری ترسیم شده‌اند و هنگامی که در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند، واژه «حق» را تشکیل می‌دهند. آن سه گامی که در چارچوب واژه «حق» بازنمایی شده بودند، حقیقتی کهن بودند که در قالبی نو قرار داده شده بود.

سال‌هاست که نشان داده‌ایم سه گام صحن، مکان مقدس و قدس‌الاقداس، با سه عمل روح‌القدس متناظر بوده‌اند؛ چنان‌که او در صحن بر گناه ملزم می‌سازد، در مکان مقدس عدالت را آشکار می‌کند، و در قدس‌الاقداس داوری می‌نماید. ما مشخص ساخته‌ایم که این سه گام در سراسر کلام خدا متجلی هستند، اما تا سال ۲۰۲۳، همه آن دریافت‌ها با چارچوب «حقیقت» بزرگ‌نمایی شدند. برگرفتن حقیقتی کهن و نهادن آن در چارچوبی نو از حقیقت، همان کاری است که مسیح انجام می‌دهد، آن‌گاه که به‌طور تدریجی کلام خود را از مهر می‌گشاید. «بیابان»ی که در سال ۲۰۲۳ به پایان رسید، نمایانگر یک «زمان آخر» نبوی است، هنگامی که نبوتی از مهر گشوده می‌شود. آن نبوت، مکاشفه عیسی مسیح است، که «حقیقت» است.

«در زمان نجات‌دهنده، یهودیان چنان جواهرات گران‌بهای حقیقت را با زباله‌های سنت و افسانه پوشانیده بودند که تمیز دادن درست از نادرست ناممکن شده بود. نجات‌دهنده آمد تا زباله‌های خرافات و خطاهای دیرپای عزیزشمرده را برطرف سازد، و جواهرات کلام خدا را در قاب حقیقت جای دهد. اگر نجات‌دهنده اکنون، همان‌گونه که نزد یهودیان آمد، نزد ما نیز بیاید، چه خواهد کرد؟ او ناگزیر خواهد بود کاری مشابه انجام دهد و زباله‌های سنت و تشریفات را بزدايد. یهودیان هنگامی که او این کار را انجام داد، سخت پریشان شدند. آنان حقیقت اصیل خدا را از نظر دور کرده بودند، اما مسیح آن را دوباره در معرض دید قرار داد. کار ما این است که حقایق گران‌بهای خدا را از خرافات و خطاهایی بخشیم. چه کاری در انجیل به ما سپرده شده است!» Review and Herald، ژوئن ۱۸۸۹، 4.

این «وظیفه ماست که حقایق گران‌بهای خدا را از خرافات و خطاهایی بخشیم»، و «جواهرات کلام خدا را در چارچوب حقیقت قرار دهیم». در سال ۲۰۲۳، خداوند چارچوب حقیقت را در ساختاری که با واژه «حقیقت» نمایان شده است، معرفی کرد. آن چارچوب، حقایق «اصیل» «خدا» را در معرض دید قرار می‌دهد.

«خاک و خاکروبه گمراهی، جواهرات گران بهای حقیقت را مدفون ساخته است، اما کارگران خداوند می‌توانند این گنج‌ها را آشکار کنند، تا هزاران تن با شادمانی و هیبت بر آن‌ها بنگرند. فرشتگان خدا در کنار کارگر فروتن خواهند بود و فیض و روشنایی الهی عطا خواهند کرد، و هزاران تن به دعا کردن با داود رهنمون خواهند شد: «چشمان مرا بگشا تا چیزهای شگفت‌انگیز را از شریعت تو ببینم.» حقایقی که قرن‌ها نادیده و مهجور مانده‌اند، از صفحات منور کلام مقدس خدا با درخششی فروزان پرتوافکن خواهند شد. کلیساها عموماً که حقیقت را شنیده، رد کرده، و پامال ساخته‌اند، شریانه‌تر عمل خواهند کرد؛ اما «داناان»، آنان که صادق‌اند، خواهند فهمید. کتاب گشوده است، و کلمات خدا به دل‌های کسانی می‌رسد که مشتاق دانستن اراده او هستند. در هنگام فریاد بلند آن فرشته از آسمان که به فرشته سوم می‌پیوندد، هزاران تن از رخوتی که قرن‌ها جهان را در بند نگاه داشته است بیدار خواهند شد و زیبایی و ارزش حقیقت را خواهند دید.» Review and Herald, December 15, 1885.

«کارگران خداوند» که «خردمندان» و «راستان» هستند، «خواهند فهمید» و «گنجینه‌ها را آشکار خواهند ساخت، تا هزاران تن با شادمانی و هیبت بر آن‌ها بنگرند.» متأسفانه برای ادونتیسیم لائودیکه‌ای، اینان نیستند که به هنگام فریاد بلند فرشته سوم از رخوت خود بیدار می‌شوند، زیرا آن، قانون یکشنبه است، و برای بیدار شدن ادونتیسیم، آن هنگام پسی دیر است. کارگران ساعت یازدهم از «رخوت» خود «به هنگام فریاد بلند آن فرشته‌ای که به فرشته سوم می‌پیوندد» در آستانه قانون یکشنبه به زودی آمدنی بیدار می‌شوند. از سال ۲۰۲۴، «حقایقی که قرن‌ها نادیده و مورد غفلت بوده‌اند»، از «صفحات منور کلام مقدس خدا» درخشیدن گرفته‌اند.

در اشعیا 22:22 به ایلاقیم کلیدی داده می‌شود، و در متی 16 به پطرس کلیدهای ملکوت سپرده می‌شود.

و کلید خانه داوود را بر شانه‌اش خواهم نهاد؛ پس او خواهد گشود و هیچ‌کس نخواهد بست؛ و او خواهد بست و هیچ‌کس نخواهد گشود. اشعیا 22:22.

«کلید» به فیلادلفیا داده شده است، زیرا آن تنها جای دیگری در کتاب مقدس است که در آن از کلید گشودن و بستن سخن به میان آمده است.

و به فرشته کلیسای فیلادلفیا بنویس: این را آن قدوس، آن حق، آن که کلید داود را دارد، آن که می‌گشاید و هیچ‌کس نمی‌بندد، و می‌بندد و هیچ‌کس نمی‌گشاید، می‌گوید: اعمال تو را می‌دانم؛ اینک دری گشوده پیش روی تو نهاده‌ام که هیچ‌کس نمی‌تواند آن را ببندد؛ زیرا قوت اندکی داری، و کلام مرا نگاه داشته‌ای، و نام مرا انکار نکرده‌ای. مکاشفه 3:7، 8.

در واپسین برخورد با یهودیان خرده‌گیر، مسیح پرسشی مطرح کرد که یهودیان نتوانستند به آن پاسخ دهند.

چون فریسیان گرد آمده بودند، عیسی از ایشان پرسید و گفت: درباره مسیح چه می‌اندیشید؟ او پسر کیست؟ به او گفتند: پسر داوود. به ایشان فرمود: پس چگونه داوود در روح، او را خداوند می‌خواند و می‌گوید: خداوند به خداوند من گفت: به دست راست من بنشین تا دشمنانت را زیر پای تو افکنم؟ پس اگر داوود او را خداوند می‌خواند، چگونه پسر اوست؟

و هیچ‌کس نتوانست در پاسخ او حتی یک کلمه بگوید، و از آن روز به بعد نیز هیچ‌کس جرأت نکرد دیگر از او پرسشی بپرسد. متی 22:46-47.

یهودیان قادر نبودند رابطه نبوی داود و مسیح را درک کنند، زیرا کلیدهای نبوی لازم برای فهم زبان کتاب مقدس «حکم بر حکم» را در اختیار نداشتند. مسیح گفت و گوی خود با یهودیان را با این بیان به

پایان رساند کہ کوری ایشان بر ناتوانی‌شان در تقسیم صحیح کلام حق مبتنی است. او تصریح کردہ بود کہ اگر موسیٰ را می‌فہمیدید، مسیح را نیز می‌فہمیدید؛ اما آنان کتاب مقدس را کہ مدعی تأیید و دفاع از آن بودند، درک نمی‌کردند.

”کلید“ ”خانہ داود“ بہ میلری‌ها دادہ شد، کہ کلیسای فیلادلفیا بودند. این ”کلید“ جنبشی اصلاحی بود کہ با درہای گشودہ و بستہ بہ تصویر کشیدہ می‌شد. از 1798 تا 1863، جنبش میلری از تجربہ فیلادلفیا بہ تجربہ لائودیکہ گذر کرد، و در همان حال از یک جنبش بہ یک کلیسا تبدیل شد. در 19 آوریل 1844 دری گشودہ شد و دری بستہ شد؛ چنان کہ در 22 اکتبر 1844 نیز دری گشودہ شد و دری بستہ شد، و نیز در 1863 دری گشودہ شد و دری بستہ شد.

الیاقیم کلیدی داشت، اما بہ پطرس «کلیدها» دادہ شد. آن کلید مفرد، در بستہ سال ۱۸۴۴ بود.

»موضوع مقدس کلیدی بود کہ رازِ ناکامی سال ۱۸۴۴ را گشود. این موضوع، منظومہ‌ای کامل از حقیقت را، پیوستہ و ہماہنگ، در برابر دیدگان گشود و نشان داد کہ دستِ خدا جنبشِ عظیم آمدن را ہدایت کردہ بود، و نیز وظیفہ حاضر را آشکار ساخت، زیرا جایگاہ و کار قوم او را بہ روشنایی آورد.» نبرد عظیم، ۴۲۳.

موضوع مقدس وہ کنجی تھا جس نے 1844 کے بند دروازے کو کھول دیا، لیکن پطرس کو بھی بادشاہی کی کنجیاں دی گئی تھیں۔

وَعِيسَىٰ نے جواب میں اُس سے کہا، مبارک ہے تُو، اے شمعون بار یونا؛ کیونکہ یہ بات تجھ پر جسم اور خون نے ظاہر نہیں کی، بلکہ میرے باپ نے جو آسمان پر ہے۔ اور میں بھی تجھ سے کہتا ہوں کہ تُو پطرس ہے، اور اِس چٹان پر میں اپنی کلیسیا تعمیر کروں گا، اور عالم ارواح کے پھاٹک اُس پر غالب نہ آئیں گے۔ اور میں تجھ آسمان کی بادشاہی کی کنجیاں دوں گا؛ اور جو کچھ تُو زمین پر باندھے گا وہ آسمان پر بندھا جائے گا؛ اور جو کچھ تُو زمین پر کھولے گا وہ آسمان پر کھولا جائے گا۔ متی 16:17-19.

سیطرًا علی سطر، تُعطی فیلادلفیا، العروس العہدیۃ الأخیرۃ کما یمثلها بطرس، مفتاح بیت داود وكذلك مفاتیح ملکوت السماوات. ومفتاح بیت داود هو آخر موضوع تفاعل بشانہ یسوع مع الفریسین.

جب فریسی اکٹھے ہوئے تھے، یسوع نے اُن سے پوچھا، کہتے ہوئے، تم مسیح کے بارے میں کیا خیال رکھتے ہو؟ وہ کس کا بیٹا ہے؟ انہوں نے اُس سے کہا، داؤد کا بیٹا۔ اُس نے اُن سے کہا، پھر داؤد روح میں اُسے خداوند کیوں کر کہتا ہے، جب وہ کہتا ہے، خداوند نے میرے خداوند سے کہا، تُو میرے دینے پاتھ بیٹھ، جب تک کہ میں تیرے دشمنوں کو تیرے پاؤں تلے کی چوکی نہ بنا دوں؟ پس اگر داؤد اُسے خداوند کہتا ہے تو وہ اُس کا بیٹا کیوں کر ہے؟

اور کوئی شخص اِس کے جواب میں ایک لفظ بھی نہ کہہ سکا، اور نہ ہی اُس دن کے بعد کسی کو یہ جرأت ہوئی کہ اُس سے پھر کوئی سوال کرے۔ متی 22:41-46.

موضوع داؤد اور اُس کے خداوند ہی سے پطرس پینتیکوست کے دن بالاخانہ میں تیسرے پہر اپنی گفتگو کا آغاز کرتا ہے۔ وہی موضوع جس نے فریسیوں اور مسیح کے درمیان باہمی مکالمے کا دروازہ بند کر دیا تھا، پطرس نے پینتیکوست کے دن بالاخانہ کا دروازہ کھولنے کے لیے اسی کو کنجی کے طور پر استعمال کیا۔

زیرا داود بہ آسمان‌ها صعود نکرده است؛ بلکہ خود می‌گوید: «خداوند بہ خداوند من گفت: بہ دست راست من بنشین، تا آنگاہ کہ دشمنانت را کرسی زیر پای تو سازم.» پس تمامی خاندان اسرائیل یقیناً بدانند کہ خدا ہمیں عیسیٰ را کہ شما مصلوب کردید، ہم خداوند و ہم مسیح

گردانیده است.

چون این را شنیدند، در دل خود سخت متأثر شدند و به پطرس و سایر رسولان گفتند: «ای مردان و برادران، چه کنیم؟»

پس پطرس بدیشان گفت: توبه کنید، و هر یک از شما به نام عیسی مسیح برای آمرزش گناهان تعمید یابد، و عطای روح القدس را خواهید یافت. زیرا این وعده برای شما و فرزندان شما و همه آنان که دور هستند می باشد، یعنی هر چند نفری را که یهوه خدای ما بخواند. و او با سخنان بسیار دیگر نیز شهادت داده، پند می داد و می گفت: خویشتن را از این نسل کجرو برهانید. پس آنان که کلام او را به شادی پذیرفتند، تعمید یافتند؛ و در همان روز قریب به سه هزار نفر به ایشان افزوده شدند. اعمال ۳۴:۲-۴۱.

پطرس کلیدهایی برای بستن یا گشودن داشت، و هرگاه چنین می کرد، آسمان با اقدام او همداستان بود. پطرس نمایانگر همکاری الوهیت و انسانیت است برای گشودن مهر حقایق کلام خدا. هنگامی که آن حقایق گشوده می شوند، به صورت معرفت نمود می یابند.

«کلید معرفت در روزگار مسیح از سوی کسانی که می بایست آن را برای گشودن خزانه حکمت در کتب مقدس عهد عتیق در دست می داشتند، گرفته شده بود. ربیان و معلّمان عملاً ملکوت آسمان را بر فقیران و رنج دیدگان بسته بودند و آنان را واگذاشته بودند تا هلاک شوند. مسیح در بیانات خود، مبادا ذهن ایشان را مشوش سازد، بسیاری از امور را یک باره پیش روی آنان نمی نهاد. او هر نکته را روشن و متمایز می ساخت. اگر حقایق کهن و آشنای موجود در نبوت ها می توانست مقصود او را در القای اندیشه ها برآورده سازد، از تکرار آنها روی گردان نبود.»

«مسیح پدیدآورنده همه گوه رهای کهن حقیقت بود. بر اثر کار دشمن، این حقایق از جای خود رانده شده بودند. آنان از موضع راستین خویش جدا گشته، در چارچوب خطا نهاده شده بودند. کار مسیح این بود که گوه رهای گران بها را دوباره سامان دهد و در چارچوب حقیقت استوار سازد. اصول حقیقتی که خود او برای برکت دادن به جهان عطا کرده بود، به واسطه کارگزاری شیطان مدفون شده و ظاهراً منقرض گشته بودند. مسیح آنها را از زیر آوار خطا بیرون کشید، نیرویی تازه و حیاتی به آنها بخشید، و فرمان داد که همچون جواهرات گران بها بدرخشند و تا ابد استوار بمانند.»

«مسیح خود می توانست هر یک از این حقایق کهن را به کار گیرد، بی آنکه کوچک ترین ذره ای را وام گرفته باشد، زیرا او پدیدآورنده همه آنها بود. او آنها را در ذهن ها و اندیشه های هر نسل افکنده بود، و هنگامی که به جهان ما آمد، حقایقی را که مرده شده بودند، از نو ترتیب داد و حیات بخشید، و آنها را برای منفعت نسل های آینده نیرومندتر ساخت. این عیسی مسیح بود که قدرت داشت حقایق را از میان آوارها رهایی بخشد، و بار دیگر آنها را با طراوت و قدرتی بیش از تازگی و نیروی نخستینشان به جهان بازگرداند.» Manuscript Releases، جلد 13، 240، 241.

کلیدهای پطرس برای بستن و گشودن بود، و پطرس نمایانگر آخرین عروس مسیحی است، که همان یکصد و چهل و چهار هزار نفر هستند. پیام بستن پطرس، که در شهادت یکصد و چهل و چهار هزار نفر نمایان شده است، مهر کردن است. پیام گشودن پطرس در شهادت یکصد و چهل و چهار هزار نفر، اسلام وای سوم است.

vi al tercer ángel. Dijo el ángel que me acompañaba: "Temible es su obra. 119» Tremenda es su misión. Él es el ángel que ha de separar el trigo de la cizaña, y sellar, o atar, el trigo para el granero celestial. Estas cosas deberían absorber toda la mente, toda la atención."» Primeros Escritos, 119»

گندمی که بسته می‌شوند، به وسیله هدیه گندم نوبرانه پنتیکاست نمایانده شده‌اند؛ که به عنوان قربانی تکان دادنی، برافراشته شدن علم آن یکصد و چهل و چهار هزار را بازنمایی می‌کند. مهر شدن قوم خدا، پیام درونی پطرس است که در خلال تاریخ اسلام وای سوم رخ می‌دهد؛ همان وای سومی که به طور تدریجی از 11 سپتامبر به بعد رها می‌شود.

اور ان باتوں کے بعد میں نے چار فرشتوں کو زمین کے چاروں کونوں پر کھڑے دیکھا، جو زمین کی چاروں ہواؤں کو روکے ہوئے تھے، تاکہ نہ ہوا زمین پر چلے، نہ سمندر پر، نہ کسی درخت پر۔ پھر میں نے ایک اور فرشتہ کو مشرق کی طرف سے چڑھتے ہوئے دیکھا، جس کے پاس زندہ خدا کی مہر تھی؛ اور اُس نے اُن چار فرشتوں کو، جنہیں زمین اور سمندر کو نقصان پہنچانے کا اختیار دیا گیا تھا، بلند آواز سے پکار کر کہا، زمین کو، نہ سمندر کو، نہ درختوں کو نقصان پہنچاؤ، جب تک کہ ہم اپنے خدا کے بندوں کے ماتھوں پر مہر نہ کر لیں۔ مکاشفہ 1:7-3.

آن چهار باد که در هنگام مَهر شدن قوم خدا نگاه داشته شده بودند، در ۱۱ سپتامبر رها شدند، و سپس به وسیله جرج بوش کوچکتر مَهر گردیدند. پیام بیرونی پطرس، اسلام است، و اگر اسلام پیام بیرونی‌ای باشد که در سراسر زمان مَهر شدن امتداد می‌یابد، آنگاه گشوده شدن و بازداشته شدن نیز به آن مربوط است. انسانیت پطرس با الوهیت پیوند دارد، زیرا کلیدهایی که به او داده شد، نمایانگر توافق میان آسمان و زمین است.

ما این مطالعه را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

«تاریکی آن شریر آنان را که از دعا غفلت می‌ورزند، در بر می‌گیرد. وسوسه‌های زمزمه‌وار دشمن ایشان را به گناه می‌فریبد؛ و همه اینها از آن روست که از امتیازاتی که خدا در تعیین الهی دعا به آنان بخشیده است، بهره نمی‌گیرند. چرا پسران و دختران خدا باید در دعا کردن اکراه داشته باشند، حال آنکه دعا کلیدی است در دست ایمان برای گشودن خزانه آسمان، جایی که منابع بی‌کران قادر مطلق در آن محفوظ است؟ بدون دعای بی‌وقفه و بیداری کوشا، در خطر آن هستیم که بی‌مبالات شویم و از راه راست منحرف گردیم. خصم پیوسته می‌کوشد راه تخت رحمت را مسدود سازد، تا مبادا به وسیله تضرع جدی و ایمان، فیض و قدرتی برای مقاومت در برابر وسوسه به دست آوریم.»

«شرایطی معین وجود دارد که بر اساس آنها می‌توانیم انتظار داشته باشیم خدا دعا‌های ما را بشنود و به آنها پاسخ دهد. یکی از نخستین این شرایط آن است که نیاز خود را به یاری او احساس کنیم. او وعده داده است: "زیرا آب بر تشنه خواهم ریخت، و نهرها بر زمین خشک." اشعیا 44:3. آنان که گرسنه و تشنه عدالت‌اند، که مشتاق خدا هستند، می‌توانند یقین داشته باشند که سیر خواهند شد. دل باید به روی تأثیر روح گشوده باشد، وگرنه برکت خدا را نمی‌توان دریافت کرد.»

gran necesidad es, en sí misma, un argumento y aboga con la mayor elocuencia 8:32»
en nuestro favor. Pero es preciso buscar al Señor para que haga estas cosas por nosotros. Él dice: "Pedid, y se os dará". Y: "El que no escatimó ni a su propio Hijo, sino que lo entregó por todos nosotros, ¿cómo no nos dará también con Él gratuitamente todas las cosas?" Mateo 7:7; Romanos 8:32»

«اگر در دل‌های خود به گناه التفات کنیم، اگر به هر گناه شناخته شده‌ای چنگ زنیم، خداوند ما را نخواهد شنید؛ اما دعای جان‌توبه‌کار و منکسر همواره پذیرفته است. هنگامی که همه خطاهای شناخته شده اصلاح شده باشند، می‌توانیم ایمان داشته باشیم که خدا عریضه‌های ما را اجابت خواهد کرد. استحقاق شخصی ما هرگز ما را به لطف خدا مقبول نخواهد ساخت؛ این شایستگی عیسی است که ما را نجات خواهد داد، و خون اوست که ما را پاک خواهد ساخت؛ با این همه، ما

نیز در عمل به شرایط پذیرش وظیفه‌ای بر عهده داریم.»

«عنصر دیگری از دعای ظفرمند، ایمان است. «زیرا هر که نزد خدا آید، باید ایمان داشته باشد که او هست، و جویندگان بااجتهاد خود را پاداش می‌دهد.» عبرانیان ۱۱:۶. عیسی به شاگردان خود فرمود: «هر آنچه آرزو دارید، هنگامی که دعا می‌کنید، ایمان داشته باشید که آن‌ها را می‌یابید، و برای شما خواهد شد.» مرقس ۱۱:۲۴. آیا او را در کلامش باور می‌کنیم؟» Steps to Christ, 94–96.

“در اینجا درسی برای مردان جوانی است که ادعا می‌کنند خادمان خدا هستند، حامل پیام اویند، و در برآورد خویش سرافراز و برکشیده‌اند. آنان در تجربه خود چیزی شگفت‌انگیز، چنان‌که ایلیا داشت، نمی‌توانند بازشناسند؛ با این حال، خود را برتر از انجام وظایفی می‌دانند که در نظرشان خوار و پست می‌نماید. آنان حاضر نیستند از شأن و وقار خدمت روحانی خود فرود آیند تا خدمتی ضروری انجام دهند، از بیم آنکه مبدا کار یک خدمتکار را کرده باشند. همه این‌گونه اشخاص باید از نمونه ایلیا بیاموزند. کلام او گنجینه‌های آسمان، یعنی شبنم و باران، را به مدت سه سال از زمین بسته نگه داشت. تنها کلام او کلید گشودن آسمان و فروفرستادن بارش باران بود. هنگامی که دعای ساده خود را در حضور پادشاه و هزاران تن از اسرائیل تقدیم کرد، خدا او را گرامی داشت، و در پاسخ آن، آتش از آسمان جهید و آتش را بر مذبح قربانی افروخت. دست او دآوری خدا را در کشتن هشتصد و پنجاه کاهن بعل به اجرا درآورد؛ و با این همه، پس از رنج فرساینده و آشکارترین پیروزی آن روز، او که می‌توانست ابرها و باران و آتش را از آسمان فرود آورد، مایل بود خدمت یک دون‌پایه را انجام دهد و در تاریکی و در باد و باران، پیشاپیش ارا به آخاب بدود تا به آن فرمانروایی خدمت کند که از سرزنش کردنش در برابر رویش، به سبب گناهان و جنایاتش، بیمی نداشت. پادشاه از دروازه‌ها گذشت. ایلیا خویشتن را در ردای خود پیچید و بر زمین برهنه دراز کشید.” شهادت‌ها، جلد ۳، ۲۸۷.